



خلق امنیت به سبک ملت

زنجیره‌های انسانی، روایت حماسه‌ای نو در دفاع از امنیت ایران

جلال مهرگان

در روزگاری کسه تهدید دشمنان آمریکا یی صهیونی، زیرساخت‌های حیاتی کشور را نشاناه گرفت، مردم ایران یاسنجی متفاوت و کم‌نظیر در جهان دادند: آن‌ها نه عقب نشیستند و نه پراکنده شدند، بلکه دست در دست هم، گرد نیروه‌ها و پل‌ها ایستادند تا نشان دهند امنیت، نه فقط با سلاح، بلکه با اراده یک ملت ساخته می‌شود. در بسیاری از نقاط جهان، وقتی سخن از تهدید زیرساخت‌ها به میان می‌آید، نخستین واکنش، دور شدن از خطر و پناه گرفتن است. اما در ایران، ماجرا شکل دیگری به خود گرفت. مردمی که تهدید را شنیدند، نه تنها عقب نشستند، بلکه به سوی همان نقاط حساس رفتند؛ به سوی نیروگاه‌ها، پل‌ها و تأسیساتی که شریان‌های حیاتی زندگی شهری محسوب می‌شوند.

شنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۵، روزی بود که در حافظه اجتماعی ایران ثبت شده، روزی که زنجیره‌های انسانی در سراسر کشور شکل گرفت. از مشهد تا همدان، از قزوین تا کازرون، از ایلام تا زاهدان و از دزفول تا تهران، مردم در اقدامی خودجوش و نمادین، حلقه‌هایی از حضور و اراده تشکیل دادند. این حرکت، صرفاً یک تجمع نبوده؛ بلکه باز تعریف از مفهوم «امنیت» بود. امنیتی که این بار نه فقط در پادگان‌ها، بلکه در خیابان‌ها و میدان‌ها، توسط مردم تولید و بازتولید شد.

زنجیره‌هایی که از ایمان ساخته شد

در نیروه‌های برق مشهد، مردم با پرچم‌های ایران در دست، حلقه‌ای انسانی تشکیل دادند؛ در همدان، پیر و جوان در کنار نگاه شهید مفتح ایستادند؛ در قزوین، ورزشکاران و کارگران شانه به شانه هم دادند؛ و در کازرون، جوانان با شاعر «برای فردای روشن» تصویر روشنی از امید و مقاومت ترسیم کردند. در دزفول، دانشجویان روی پل تاریخی که قرن‌هاست دو سوی شهر را به هم پیوند می‌دهد، ایستادند و این بار، نه تنها دو ساحل، بلکه گذشته و آینده را به هم گره زدند. در اهواز، زنجیره انسانی بی‌رویی پل سفید، به نمادی از ایستادگی در برابر تهدید تبدیل شد. آنچه این صحنه‌ها را متفاوت می‌کند، تنوع و گستردگی حضور است. مادری که کودک در آغوش دارد، جوانی که پرچم بر دوش گرفته، پیرمردی که با عصا یا ویلچر آمده، ورزشکاری که از میدان مسابقه به میدان همبستگی آمده و کارگری که از شیفت کاری مستقیم به جمع مردم پیوسته است؛ همه و همه، یک پیام مشترک دارند: «ایران تنها نیست».

امنیتی که از دل مردم برمی‌خیزد

این حرکت، جلوه‌ای از «امنیت مردمی» است؛ مفهومی که در آن، مردم نه صرفاً دریافت‌کننده امنیت، بلکه تولیدکننده آن هستند. وقتی شهروندان، خود را مسئول حفاظت از زیرساخت‌ها بدانند، سطحی از بازدارندگی ایجاد می‌شود که هیچ تهدیدی به‌سادگی قادر به شکستن آن نیست. در شرایطی که دشمن، زیرساخت‌های انرژی، پل‌ها و مراکز

حیاتی را هدف تهدید قرار داده، حضور مردم در اطراف این نقاط، نوعی سپر اجتماعی ایجاد کرده است. این سپر، نه از جنس فلز و بتن، بلکه از جنس اعتماد، ایمان و همبستگی است. این رفتار، نشان‌دهنده بلوغ اجتماعی ملتی است که به‌خوبی می‌داند امنیت، یک امر صرفاً دولتی نیست. مردم با این اقدام، عملاً به صحنه آماده‌اند تا بگویند که امنیت کشور، خط قرمز مشترک همه آن‌هاست.

از تهدید تا انسجام: تبدیل بحران به فرصت

تهدیدهای اخیر، اگرچه در ظاهر با هدف ایجاد ترس و بی‌ثباتی مطرح شده‌اند، اما در عمل، به عاملی برای افزایش انسجام ملی تبدیل شده‌اند. زنجیره‌های انسانی، نمادی از این انسجام هستند؛ نمادی از اینکه جامعه ایرانی، در برابر فشارها، نه متفرق، بلکه متحدتر می‌شود. پوشش «زنجیره انسانی جوانان ایران برای فردای روشن» نیز در همین راستا شکل گرفت؛ حرکتی که از دل دغدغه‌های نسل جوان برخاست و به سرعت به یک جریان ملی تبدیل شد. جوانانی که با آگاهی و مسئولیت‌پذیری، نقش خود را در این بزرگ‌ترین ایفا کردند. این حضور گسترده، پیام‌های متعددی در خود دارد؛ از حمایت از نیروهای مسلح و مدافعان امنیت گرفته تا محکومیت اقدامات خصمانه و تأکید بر حفظ زیرساخت‌های حیاتی. اما مهم‌تر از همه، این پیام است که ملت ایران، در دفاع از کشور خود، یکپارچه و مصمم است.

تصویری از یک ملت در اوج همبستگی

اگر کسی نخواهد بداند که یک ملت چگونه می‌تواند در برابر تهدید

بایستد، کافی است به این روزهای ایران نگاه کند. به شب‌هایی که با حضور مردم روشن می‌شود، به روزهایی که خیابان‌ها از جمعیت لبریز است، و به دستایی که در هم گره خورده‌اند.

این تصویر، تنها یک واکنش مقلدی نیست؛ بلکه بازتاب ریشه‌های عمیق فرهنگی و تاریخی است. ملتی که در طول تاریخ خود، بارها در برابر تهدیدها ایستاده، امروز نیز با همان روحیه، اما با شکلی نو، در میدان حضور دارد. این میان، هر فردی که در این زنجیره‌ها ایستاده، یک نماد است؛ نمادی از امنیت، مقاومت و تعلق‌نمادی از این حقیقت که امنیت، زمانی پایدار می‌شود که مردم، خود را بخشی از آن بدانند.

جمع‌بندی: امنیتی به وسعت یک ملت

آنچه در این روزها در شهرهای ایران رقم خورد، تنها یک رویداد اجتماعی نبود، بلکه یک پیام روشن به جهان بود، پیامی که می‌گوید: ملتی که برای دفاع از زیرساخت‌های خود، زنجیره انسانی تشکیل می‌دهد، ملتی است که امنیتش را نمی‌توان تهدید کرد. این حماسه شهری نشان داد که امنیت، صرفاً محصول قدرت نظامی نیست، بلکه حاصل هم‌افزایی میان مردم و حاکمیت است. وقتی این دو در کنار هم قرار می‌گیرند، نتیجه آن امنیتی پایدار و شکست‌ناپذیر خواهد بود. نباید مهم‌ترین پرسش این باشد: در کجای جهان می‌توان ملتی را یافت که در برابر تهدید به‌ناپودی، به جای عقب‌نشینی، دست در دست هم بدهد و از همان نقاط حیاتی محافظت کند؟ پاسخ، امروز در خیابان‌های ایران دیده می‌شود.

پلیس صاحب خانه را از سرقت میلیاردی خانه اش با خبر کرد



آرمین بینا

در طول جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، تعداد زیادی از مراکز نظامی هدف حملات دشمن قرار گرفتند و تعدادی از مأموران پلیس به شهادت رسیدند. در گبروداد جنگ، تعداد زیادی از شهروندان تهرانی مجبور به ترک خانه‌های خود شدند و در چنین شرایطی، کار حفاظت از اموال مردم برای پلیس از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد. عدم‌ای از خلافکاران و سارقان حرفه‌ای گمان کردند فرصت مناسبی برای دستبرد به خانه‌های خالی به دست آورده‌اند، اما اغافل از اینکه نیروی نظامی در این شرایط سخت نه تنها کوتاهی نمی‌کند، بلکه با آمادگی صدرصد و به کارگیری تمام توان خود، در کنار مردم می‌ایستد. چند شب قبل، گشت‌های پلیس در محدوده غرب پایتخت به یک دستگاه خودروی پراید مشکوک شدند و پس از توقف و بازرسی، دو سارق حرفه‌ای را دستگیر و اموالی به ارزش تقریبی ۵ میلیارد تومان از آنها کشف کردند. دو شب قبل، گشت‌های پلیس یکی از خیابان‌های غربی پایتخت به یک دستگاه خودروی سواری پراید که دو مرد جوان سر نشین آن بودند، مشکوک شدند. مأموران خودرو را برای لحظاتی به صورت نامحسوس زیر نظر گرفتند و از رفتار و حرکات سر نشینان، این فرضیه برای آنها قوت گرفت که دو مرد جوان یا در حال زائنی برای سرقت از خانه‌های هستند و یا به‌خلافی دستبرد زده و قصد ترک محل را دارند.

فرار نافر جام و تسلیم شدن سارقان

در ادامه، مأموران به خودروی مشکوک نزدیک شدند و به راننده دستور ایست دادند. راننده که با دیدن مأموران غافلگیر شده بود، تصمیم گرفت با خودروی دام پلیس فرار کند، اما اقدام به موقع

مأموران راه فرار را بست و سر نشینان خودروی پراید ناچار تسلیم شدند. متهمان پس از دستگیری در تهران بزرگ، با اعلام دستگیری دو سارق حرفه‌ای در محدوده غرب پایتخت، گفت: «کارا گاهان پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ، در یک عملیات ضربتی، بازرسی از سر نشینان و خودرو انجام شد که منجر به کشف و ضبط اموال باارزشی شامل وجه نقد، طلاجات و ساعت‌های لوکس به ارزش تقریبی ۵ میلیارد تومان گردید. این افراد در همان لحظات اولیه به سرتقت اعتراف کردند.» سردار گودرزی افزود: «با شناسایی محل سرقت، مأموران بلافاصله با صاحب خانه تماس گرفتند و مالباخته به پایگاه

پنجم دعوت شد. وی به مأموران گفت ساعتی قبل برای انجام کاری همراه خانواده‌اش از خانه خارج شده و اصلاً در جریان سرقت خانه‌اش نبوده که با تماس مأموران با خبر می‌شود.» رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ با لحنی قاطع خاطر نشان کرد: «خط قرمز پلیس، امنیت و آرامش شهروندان در تمامی شرایط است. با توجه به هشدارهای قبلی، هر خود قاطع در دستور کار پلیس قرار دارد و هیچ گونه ممانعتی با سارقان نداریم.» وی در پایان گفت: «با هماهنگی مقام قضایی، تمامی اموال کشف‌شده تحویل مالباخته گردید. متهمان نیز برای تحقیقات تکمیلی در اختیار کارا گاهان پایگاه پنجم پلیس آگاهی قرار گرفتند.»

ملت شکست را به دشمن تحمیل کرد



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

۴۰ از آغاز جنگ تحمیلی سوم گذشت. از روزی که دشمن با خیال خام فروپاشی، شلیک کرد و اما با واقعیت یک ملت ایستاده مواجه شد. امروز، در غبار فرونشسته جنگ، آنچه باقی مانده نه ویرانی که تصویری روشن از پیروزی ملتی است که در سخت‌ترین آزمون، قامت خم نکرد. ۴۰ روز پیش، دشمن با تمام توان و با توهم پیروزی سریع، جنگی تمام‌عیار را آغاز کرد؛ جنگی که قرار بود در چند روز، اراده یک ملت را درهم بشکند و سر نوشت یک کشور را به میل متجاوزان رقم بزند. اما آنچه رخ داد، ورق خوردن معادلات بود. این بار، تاریخ نه به بسود مهاجمان، بلکه به نام ایستادگی مردمی نوشته شد که «بودن» را انتخاب کردند. در این ۴۰ روز، ایران تنها در میدان نظامی نچنگید؛ این نبرد، صحنه‌ای از همبستگی ملی بود. از رزمندگانی که در خط مقدم تا پای جان ایستادند تا خانواده‌هایی که در دل آتش، بهای ماندن ایران را پرداختند.

از فرماندهانی که فقدا نشان زخمی عمیق بر پیکر کشور گذاشت تا کودکانی که مظلومانه در مدرسه شجره طیبه میاب پرپر شدند و نشانمان به نماد مظلومیت و مقاومت بدل شد. اما در پس این رخ‌ها، روایتی دیگر شکل گرفت؛ روایتی از «ادامه زندگی». کارکنان نینوگاه‌ها، حتی پس از پایان شیفت، داوطلبانه ماندند تا چراغ خانه‌ها خاموش نشود. بازنستگانی که بازگشتند تا در روزهای خطر، ستون‌های پایداری را محکم‌تر نگه دارند. اینها سربازان بی‌نام جبهه‌ای بودند که اگرچه دیده نمی‌شوند، اما ستون‌های پیروزی بر دوش آنان استوار است. دشمن با تهدید و حمله، گمان می‌کرد زیرساخت‌ها را هدف بگیرد می‌تواند روح یک ملت را بشکند. اما نتیجه، معکوس شد.

هر تهدید، به انسجامی بیشتر انجامید و هر حمله، پاسخی قاطع‌تر به دنبال داشت. آنها که وعده نابودی می‌دادند، در میدان عمل با شکست مواجه شدند و در نهایت، به پذیرش واقعیت تن دادند. واقعیتی که نشان می‌داد ایران نه تنها از اهدافش عقب ننشسته، بلکه قواعد بازی را نیز تغییر داده است. تحلیلگران نیز به این حقیقت اذعان کردند: دشمن نه به اهداف خود رسید، نه توانست اراده این ملت را درهم بشکند. حتی در میدان‌های راهبردی، از هر مز تا عمق منطقه، این ایران میدان بود که ابتکار عمل را در دست گرفت و طرف مقابل را به عقب‌نشینی واداشت. آنچه به عنوان آتش پس شکل گرفت، نه یک انتخاب، بلکه نتیجه مستقیم ناتوانی در تحقق اهداف نظامی دشمن بود. این جنگ، یک نقطه عطف بود؛ لحظه‌ای که نشان داد ایران تنها یک جزایر نیست، بلکه یک «اراده جمعی» است. ملتی که در سخت‌ترین شرایط، نه تنها از پامی‌افکنه، بلکه قدرتمندتر از پیش برمی‌خیزد، اکنون پس از ۴۰ روز، آنچه باقی مانده یک پیام تاریخی است: ملت‌ها زمانی پیروز می‌شوند که در برابر فشارها، به جای عقب‌نشینی، به هم نزدیک‌تر شوند و این تازه آغاز راهی است که در آن، ایران نه فقط ایستاده، بلکه در حال ساختن فصل تازه‌ای از قدرت و هویت خود است.

همبستگی میدان و خیابان پیروزی بر شیطان را رقم زد

غلامرضا مسکنی

جنگ تحمیلی که ۱۹ اسفندماه سال گذشته آغاز شد، شیطان بزرگ و رژیم منحوس صهیونیستی به همراه مزدوران داخلی‌شان گمان می‌کردند به زودی تمدن بزرگ ایرانی اسلامی از هم می‌پاشد و آنها به آرزوی خیالی خود می‌رسند، اما آنها اغافل از حماسه مردم غیور ایران بودند، آنهایی که جان می‌دهند، اما خاک نمی‌دهند. حضور حماسی مردم ایران نخستین بار نیست که در تاریخ ثبت می‌شود. آنها در سخت‌ترین شرایط هیچ‌گاه میدان و خیابان را خالی نکردند و دوشادوش نیروهای نظامی و انتظامی حاضر بودند. صدای ناقوس جنگ که بلند شد، سپاهیان و ارتشیان با موشک‌های سجیل، فتاح، خبیر و دیگر سلاح‌های پیشرفته، پاسخ کوبنده‌ای به دشمن دادند و به مردم وطن دوست اعلام کردند «میدان با ما، خیابان با شما.» مردم بلافاصله به نندای مدافعان امنیت لبیک گفتند و حضور حماسی آنها در خیابان‌های شهر و روستا رقم خورد. دشمن تصور می‌کرد با بمباران و تهدید می‌تواند خیابان‌ها را از مردم خالی کند و روحیه مقاومت را در هم بشکند.

روز بیست و دوم بهمن، این خیال خام را آزمایش کرد. اما مردم با شنیدن صدای هواپیماهای دشمن و اصابت موشک‌ها در خیابان، میلیون‌ها به صحنه آمدند تا نشان دهند، نه صدای آژیر خطر و نه آتش دشمنی، آنها را وادار به ترک خیابان‌ها نمی‌کند. آنها در این ۴۰ شب در کوچه و خیابان، حماسه‌ای بی‌بدیل آفریدند. رژه‌های چند کیلومتری خودرویی، پرچم‌های برافراشته در دستان زنان، مردان، خردسالان و کهنسالان در شهر و روستا، نه یک اتفاق عادی که یک پیروزی تاریخی بود.

این صحنه‌ها برای همیشه در حافظه تاریخی این سرزمین ثبت خواهد شد. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای اجتماعی این روزها، بازتولید حس تعلق ملی و همبستگی جمعی بود. در روزهایی که دشمن تلاش می‌کرد با ایجاد اختلاف و تفرقه، جامعه را از درون متلاشی کند، مردم ایران نشان دادند که در برابر تهدید خارجی، تمام اختلافات رنگ می‌بازد و همه در یک صف قرار می‌گیرند. این همبستگی، بزرگ‌ترین سرمایه اجتماعی ایران است، سرمایه‌ای که با خون شهدا و با حضور مردم در خیابان‌ها و میدان‌ها باز تولید شد. تجربه این روزها ثابت کرد که تهدید خارجی، نه تنها جامعه را از هم نمی‌پاشد که بر عکس، آن را منسجم‌تر و همدل‌تر از قبل می‌کند. در پایان باید گفت، آنچه ایران را در این روزهای سخت سراپانگه داشت، تیان موشک‌ها و تجهیزات نظامی نبود. مهم‌تر از همه، سرمایه اجتماعی عظیمی بود که ریشه در اعتماد، همدلی، همبستگی و مشارکت جمعی دارد. در مدمی که خیابان‌ها را تکر کردند، سپاهیان و ارتشیان که در برابر دشمن سینه سپر کردند و با شلیک غرش موشک‌ها، ایشان لرزه به اندام آنها انداختند، پلیسی که شبانه‌روز ایستاد و از جان و مال مردم محافظت کرد، بسیجیانی که از خانه و زندگی خود گذشتند و زیر گلوله‌های دشمن جانفشانی کردند و همسایه‌هایی که دست در دست هم را گرفتند.

این همان فرمول پیروزی است که در سخت‌ترین شرایط، ایران را محکم و استوار در مقابل دشمن نگه داشت و آنها را ناگزیر به درخواست آتش‌س کش کرد. این همان نشانه پیروزی ایران در برابر دشمنان است. پیروزی که نه در میز مذاکره که در دل خیابان‌ها و در همبستگی میدان و مردم رقم خورد.